

بررسی رویکرد اقتصادی امیرکبیر در عصر ناصری

(۱۲۶۸-۱۲۶۴ ه. ق)

فاطمه قلاوند^۱

زهرا قلاوند^۲

چکیده

در دوره قاجار اقتصاد ایران رو به ضعف نهاده بود؛ تجارت راکد و کشاورزی دچار بحران شده بود. امیرکبیر، صدراعظم ایران در دوره ناصرالدین شاه، با مشاهده این ضعف اقدامات چندی در راستای بهبود وضعیت اقتصادی کشور انجام داد. راهی که وی برای رهایی از مشکلات اقتصادی در نظر گرفته بود؛ تقویت اقتصاد داخلی بود. در همین راستا تنظیم امور مالی، بهبود کشاورزی، بازرگانی و همچنین صنعت کشور مورد توجه وی قرار گرفت. هدف اصلی وی از این اقدامات، پیشرفت اقتصاد با تکیه بر ایجاد صنایع جدید و حمایت از تولیدات داخلی و بومی در ایران بود. این اقدام با انتقال علم و تکنولوژی جدید به داخل کشور و اعمال محدودیت بر استعمال کالاهای خارجی همراه بود. این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از منابع تاریخی این دوره درصدد پاسخگویی به این سؤال است که امیرکبیر در راستای بهبود اقتصاد کشور چه اقداماتی را سرلوحه برنامه اقتصادی دوره ۳ ساله صدارت عظمای خود قرار داد. به طور کلی باید گفت هرچند اصلاحات امیرکبیر به دلیل دوره کوتاه صدارتش ناتمام ماند؛ اما در واقع وی با ایجاد توسعه کشاورزی و حمایت از تولیدات داخلی و صنایع بومی توانست برنامه اقتصادی موفق در کشور اجرا کند. وی گام‌های مهمی در زمینه تقویت اقتصاد داخلی ایران برداشت. برنامه‌های اقتصادی وی مورد تقلید برخی از دولتمردان دوره‌های بعدی نیز قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: امیرکبیر، اقتصاد، کشاورزی، بازرگانی، صنعت.

Tarikh.shosh@gmail.com

ghalavand2014@gmail.com

۱. عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه پیام نور

۲. عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳



مقدمه

در هر جامعه‌ای نخبگان سیاسی و حکومتی نقش مهمی در ایجاد اصلاحات بر عهده دارند؛ در نتیجه بررسی اقدامات این اصلاح طلبان از موضوعات حائز اهمیت در بررسی تحولات سیاسی اقتصادی هر جامعه محسوب می‌شود. اما آنچه که عامل اصلی بیداری تدریجی ایرانیان و شکل‌گیری نخستین حرکت‌های اصلاحی در ایران شد، دو دوره جنگ‌های مهیب و بدفرجام ایران و روسیه تزاری بود که به انعقاد قراردادهای گلستان (۱۲۲۸ هـ. ق/۱۸۱۳ م) و ترکمانچای (۱۲۴۳ هـ. ق/۱۸۲۸ م) منجر شد. شکست‌های ایران در این جنگ‌ها، همچون تلنگری بود که جامعه عصر قاجار را به عقب افتادگی‌ها و کم‌وکاست‌های خود واقف ساخت؛ عباس میرزا نایب السلطنه، فتحعلیشاه نخستین سنگ بنای اصلاحات را در ایران نهاد. وی اصلاحات مهمی در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی انجام داد؛ اقداماتی که مرگ زود هنگام وی مانع به نتیجه رسیدن آن‌ها شد. پس از عباس میرزا در میان اصلاح طلبانی که از طبقه نخبگان حکومتی برخاستند، امیر کبیر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ضعف دولت قاجار، قراردادهای تحمیلی غریبان به ایران و همچنین نفوذ اروپاییان در بدنه اقتصادی کشور به بهانه آزادی تجارت و سیاست درهای باز موجب ایجاد مشکلاتی در حوزه اقتصادی کشور در این دوره شد؛ صنایع داخلی از بین رفته و کشاورزی نیز تجاری شده بود؛ به همین دلیل برخی دولتمردان برای رهایی از این وضعیت، توجه به تولیدات داخلی و بومی و ایجاد صنایع جدید در داخل کشور را به عنوان بهترین راهکار جهت بهبود وضعیت اقتصادی کشور مطرح کردند. اقدامات اقتصادی امیرکبیر مهم‌ترین تلاش دولتمردان دوره قاجار در زمینه بهبود وضعیت اقتصادی به شمار می‌آید.

در تمامی کتاب‌هایی که در تاریخ قاجار نگاشته شده‌اند به طور پراکنده به اصلاحات و اقدامات امیرکبیر اشاره شده است. اما مهم‌ترین کتابی که در مورد اقدامات و اصلاحات امیرکبیر نگاشته شده است کتاب فریدون آدمیت با عنوان «امیرکبیر و ایران» می‌باشد که در قسمتی از آن به اصلاحات اقتصادی امیرکبیر پرداخته است. در این مقاله به بررسی عملکرد و واکاوی اندیشه‌های اقتصادی امیرکبیر با تکیه به کتب تاریخی و روزنامه وقایع اتفاقیه پرداخته می‌شود.

زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه‌های اقتصادی امیرکبیر

اندیشه اصلاحی امیر کبیر را تا حدی باید تحت تأثیر افرادی چون عباس میرزا و وزیر او میرزا عیسی قائم مقام معروف به میرزا بزرگ و همچنین میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی دانست. وی دست پرورده خاندان قائم مقام بود



و در دستگاه ایشان تعلیم یافته بود؛ در حقیقت اولین دولتمردی که در دوره قاجار آثار زیان بخش تجارت آزاد اروپاییان را دریافت و جلوی گسترش آن را بست، میرزا عیسی قایم مقام بود. چون انگلیس درصدد برآمد امتیاز تجارت آزاد را از شاهان قاجار کسب کند، قائم مقام آن را رد کرد (آدمیت، ۲۵۳۶:۲۹۸). اقدامات اصلاحی در زمینه اقتصاد در زمان عباس میرزا با اهتمام میرزا عیسی قایم مقام در آذربایجان آغاز شد؛ وی مصمم به ایجاد نظام جدید مالیاتی در ایالت آذربایجان برای افزایش درآمد این ایالت بود (رینگر؛ ۱۳۸۱:۳۸). یکی دیگر از اقدامات اقتصادی این دوره تأسیس کارخانه ماهوت سازی در خوی بود. دنبلی در خصوص اهداف اقدامات صنعتی عباس میرزا و میرزا عیسی قایم مقام با هدف افزایش تولیدات صنعتی و داخلی در کشوری نویسد:

«در هیچ کار و هیچ صنعت اهالی ایران را احتیاجی به اقلیم دیگر نباشد و هرچه اهل ایران را ضرور است در این دیار به عمل آورند و به متاع دیگر ضرورت نیفتد و ارباب سلیقه ایران و استادان صاحب ذهن از حدت ذهن به کار اقلیم دیگر ننگرند» (دنبلی، ۱۴۳:۱۳۸۳).

اما در نتیجه عواملی چون ناپایداری سیاسی کشور، محدود بودن اصلاحات مزبور به تبریز و بی‌اعتنایی دستگاه قدرت در تهران و در نهایت درگذشت زود هنگام عباس میرزا، اصلاحات مزبور راه به جایی نبرد (زرگری نژاد، ۱۳۸۶:۱۰۶).

از عوامل دیگر تأثیرگذار بر شکل‌گیری اندیشه اصلاحی امیرکبیر را باید سفرهای وی به خارج از کشور دانست. امیرکبیر در سفر به روسیه از دارالفنون، کارخانجات فلزکاری، بالون سازی، اتاق تجارت و رصدخانه مسکو دیدار کرد (افشار، ۲۳۸:۱۳۴۹-۲۳۶). وی در این سفر با دستگاه‌های صنعتی و سیستم حکومتی و همچنین اهتمام دولت روسیه در پرداختن به رشد و ترقی در کشور و بهره‌گیری مطلوب از توان اقتصادی جامعه از جمله گمرک و صادرات و واردات و ایجاد نهادها و مؤسسات تجارتي آشنا شد.

اقامت امیرکبیر در جریان مذاکرات ارزنه الروم در عثمانی و نیز مشاهده تلاش برای اصلاحات در این کشور، انگیزه ایجاد اصلاحات در کشور را در امیرکبیر قوی‌تر ساخت. اگر چه اصلاحات در عثمانی در قیاس با روسیه جزئی بود؛ اما به دلیل همجواری دو کشور ایران و عثمانی و شباهت‌ها و نزدیکی بیشتری این دو کشور و همچنین آشنایی امیرکبیر با دولتمردان عثمانی و از جمله رشید پاشا صدراعظم اصلاح طلب عثمانی (۸۴-۱۸۲۳ م). اهمیت این سفر دو چندان می‌گردد.

گذشته از مجموع تجارب شخصی امیر کبیر در سفر به روسیه و عثمانی، مطالعه نوشته‌های فرنگی و همچنین روزنامه‌ها و نشریاتی که از کشورهای فرانسه و انگلیس، روس و اتریش عثمانی و هند به کشور می‌رسید نیز در رشد آگاهی او نسبت به تمدن غرب و نوسازی در آن کشورها اهمیت داشت. به همین جهت وی دستور ترجمه تعدادی روزنامه‌های را از زبان‌های غربی داد (آدمیت، ۷۲: ۱۳۸۴-۷۱). به نظر می‌رسد وی با مفاهیمی از علم اقتصاد آشنایی داشته است و با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی ایران به حمایت از اقتصاد داخلی و بومی پرداخت؛ شاید بتوان گفت که از نخستین مواردی که لفظ «پولیتیکال اکونومی» (Political Economy) در زبان فارسی به کار رفته است. در مکاتبات امیر کبیر با وزیر مختار انگلیس بوده است. امیرکبیر در نامه‌اش به وزیر مختار انگلیس لفظ «اکنمی پولیتیکال» را به کار برد (آدمیت، ۱۳۵۶: ۴۰۷). نامه‌های رد و بدل شده بین امیرکبیر و سفیر انگلیس نشانگر آشنایی وی با سیاست‌های اقتصادی است؛ برای نمونه امیرکبیر با رد درخواست سفیر انگلیس مبنی بر فروش دواب با عنوان کردن این دلیل که دواب تنها وسیله برای نقل و انتقال در کشور محسوب می‌شود و صدور آن طبق اصول اکنومی پلتیک اشتباه است؛ این پیشنهاد را رد می‌کند (نامه امیرکبیر به شیل به نقل از فریدون آدمیت، ۱۳۸۴: ۴۰۷). در واقع تلاش برای آشنایی با مفاهیم جدید اقتصادی از چندی پیش آغاز شده بود. در دوره صدارت حاج میرزا آقاسی به فرمان وی کتاب‌های چندی در خصوص کشاورزی، صنایع سنگین و ذوب آهن و همچنین کتاب «اکنومی پلتیک» سیسموندی به کشور آورده شدند؛ هرچند این کتاب تا دوره ناصری ترجمه نشد (ناطق، ۱۳۶۹: ۲۷۶).

اقدامات اقتصادی امیرکبیر

نخستین اقدام اصلاحی امیرکبیر در حوزه اقتصاد را باید برقراری تعادل مابین هزینه‌ها و درآمدهای دولت و رفع کسری بودجه دولت دانست. این تعادل را امیرکبیر از طریق کاهش هزینه‌های عمومی دولت و به خصوص هزینه‌های دربار، کاهش مستمری شاهزادگان و شاه و اطرافیان او از یک سو و وصول کامل مالیات از حکام ولایات و خوانین محلی از سوی دیگر برقرار ساخت. درآمد به دست آمده به سرمایه‌گذاری در داخل کشور اختصاص یافت. برای تنظیم امور مالی دربار به هنگام صدارت امیرکبیر، سازمان نوینی برای امور مالی و حفظ تمرکز خزانه و وصول مالیات ایجاد شد و به دستور امیرکبیر حوزه‌های مالیاتی در سراسر کشور به وجود آمد. این حوزه‌های مالیاتی هر یک زیر نظر یک مستوفی بود (افشارآرا، ۵۲۹: ۱۳۸۰). در همین راستا برای ایجاد یک نظام مالی جدید یکی از





فرزندان محمدعلی میرزا پسر فتحعلی شاه برای مطالعه در امور مالی و جمع آوری قوانین مالیه به فرانسه اعزام شد (یکتایی، ۱۳۴۰: ۲۵).

در دوره امیرکبیر درخصوص مالیات و تنظیم آن و همچنین نظارت بر اخذ مالیات از مردم نیز اقداماتی انجام شد؛ وی به همین جهت به لغو برخی از پیشکش ها و مالیات های اضافی اقدام نمود. این اقدام در روزنامه رسمی کشور تحت عنوان «ممنوعیت یافتن اخذ سیورسات» اعلام شد (روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره سوم، ۱۹ ربیع الثانی ۱۲۶۷: ۱). در موردی دیگر از اقدامات حمایتی در زمینه مالیات از «تقسیم مالیات» در «محال فومن گیلان» جلوگیری شد (روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره دوم، ۱۱ ربیع الثانی ۱۲۶۷: ۲). در باب اداره گمرک نیز امیرکبیر بر این نکته همت گماشت که اداره گمرک در اختیار افراد مورد اعتبار ایرانی تبار قرار داده شود تا درآمد حاصل از آن به کشور انتقال یابد (نامه ها و اسناد امیرکبیر، ۱۳۹۰، نامه امیرکبیر به محمودخان بیگلربیگی استرآباد: ۱۶۰).

امیرکبیر در دوره صدارت عظمای خود سیاست حمایت از اقتصاد داخلی را در پیش گرفت. در واقع تصمیم وی در جلوگیری از خروج طلا و پول کشور موجب شد سیاست تمرکز بخشیدن به اقتصاد داخلی و بومی و نیز حمایت از محصولات داخلی را سرلوحه برنامه های عمرانی خود قرار دهد. سیاستی که در خلال نوشته های روزنامه وقایع اتفاقیه به عنوان ابزار رسمی اعلان سیاست دولت مرکزی هویدا می باشد. تأکید امیرکبیر در ایجاد روحیه و انگیزه و تلاش همگانی در نوآوری در زمینه های مختلف اقتصادی و به خصوص در زمینه صنعتی در تأکید امیرکبیر در بهره گیری از اجناس ایرانی به جای اجناس خارجی در این روزنامه منعکس است (روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره دوم، ۱۱ ربیع الثانی ۱۲۶۷ هـ.ق: ۳).

وی در راستای قدرت بخشیدن به اقتصاد داخلی ایران و حمایت از آن دست به ابتکارات فراوان زد؛ از جمله این که صنعتگران در ازای نوآوری در صنعت پاداش دریافت می کردند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۷۵). روزنامه وقایع اتفاقیه درخصوص برنامه صنعتی دولت امیرکبیر نوشت:

«اولیای دولت اهتمام بسیار دارند که صنایع بدیعه ممالک محروسه رونق تمام یابد.» (روزنامه وقایع اتفاقیه، سال ۱۲۶۷، شماره ۱: ۳)؛ به همین دلیل از تمامی مردم خواسته شد که اگر هر کس پیشنهادی را مطرح کند که «منفعت دولت و رفاهیت در آن لحاظ شده باشد مورد التفات» قرار خواهد گرفت (قزوینی، ۱۳۷۰: ۳۴). این اقدام کنش گرایانه امیرکبیر در واقع با هدف بهره گیری از توان مردم و همچنین صنعتگران و بازرگانان در ارائه ایده های جدید برای پیشرفت اقتصادی در جامعه محسوب می شد. تشویق و حمایت دولت در زمینه های اقتصادی در این دوره



موجب ایجاد فعالیت های جدید و ابتکارات فردی در داخل کشور شد (روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۲۸، پنجشنبه ۱۶ شوال المکرم سال ۱۲۶۷: ۴). در کتب مختلف این دوره و به خصوص در رساله «نوادرالامیر» و همچنین رساله «قانون قزوینی» نمونه هایی از این اقدامات ذکر شده است (قزوینی، ۱۳۷۰: ۱۱۴).

در این دوره به منظور تعلیم صنایع مراکز تعلیمی چندی ایجاد شد. یکی از این مراکز در سال ۱۲۶۷ ق. در «ارگ سلطانی دارالخلافة» تأسیس گردید (روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۲۹، نهم شوال المکرم سال ۱۲۶۷: ۴). «مجمع الصنایع» از تأسیسات اقتصادی ایجاد شده در این دوره بود که به منظور ترویج فن و صنعت در کشور ایجاد شد. طرح ایجاد مدرسه ای برای ایجاد برخی رشته های فنی جدید با عنوان «مجمع الصنایع» در سال ۱۲۶۹ ق. عملی شد. مأموریت این نهاد آموزشی بسیار حرفه ای تعیین شده بود و اعزام کارآموز و دانشجوی برای فراگیری علوم جدید و مورد نیاز در پیگیری فکر تأسیس مدرسه مجمع الصنایع مؤثر بود. تا آن هنگام در رشته های نقاشی، ریخته گری، کاغذسازی، زرگری، چینی سازی، نجاری و نظایر آینه کارآموز به خارج اعزام شده بود (آدمیت، ۱۳۸۴: ۲۹۹-۲۹۵). رشته هایی چون ساعت سازی، آپالیت سازی، زرکشی و زر دوزی، خیاطی، ملیله سازی نمونه کار چین، نقاشی، تفنگ سازی در این مرکز آموزشی ایجاد شده و آموزش داده می شد (روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۱۱۱، پنجشنبه ششم ماه جمادی الثانی اواخر سال سیپچاق نیل ۱۲۶۹: ۲).

در مورد تأثیرگذاری این مرکز در وضعیت تولید کالایی و ارتقاء پیشه ها و حرفه ها، در منابع دوره قاجار اشارات مختصری شده است. یکی از مشخص ترین این تأثیرات در رواج جلد سازی بنا به اسلوب فرنگی و صحافی فرنگی سازی در ایران بود (افشار، ۱۳۸۳: ۲۷). در صنعت میناکاری نیز این تأثیر مشخص شده است. از میناکاران نامی دوره ناصری که در مجمع الصنایع حجره داشت؛ می توان به «غلامعلی» اشاره کرد (کریم زاده تبریزی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۱۳). ایرج افشار نیز گزارشی از تأثیرگذاری مکتب نقاشی مجمع الصنایع در جامعه تا هنگام برپایی وزارت صنایع مستظرفه به دست داده است (افشار، ۱۳۸۳: ۳۱-۲۵).

امیرکبیر بر این اعتقاد بود که بر پا کردن صنایع داخلی دست کم این فایده را خواهد داشت که هر پولی صرف ایجاد آن شود در داخل کشور هزینه می گردد. نقشه امیرکبیر در بنای صنعت داخلی شامل استخراج معدن، ایجاد کارخانه های مختلف، استخدام استادان فنی از انگلیس و پروس، فرستادن صنعتگران به روسیه و حمایت از محصولات داخلی بود. در سال ۱۲۶۷ ق. فرمان آزادی استخراج معادن برای اتباع از سوی امیرکبیر صادر شد؛ اگرچه پیش از این در زمان عباس میرزا، استخراج معادن مورد توجه قرار گرفته بود و تلاش هایی در این راستا نیز



انجام شده بود؛ اما این بار امیرکبیر در جهت ایجاد صنعت داخلی به این امر توجه نمود. طبق این فرمان اولاً کلیه اتباع ایران با کسب اجازه، حق استخراج معادن را داشتند. ثانیاً استخراج کنندگان تا مدت ۵ سال از پرداخت هرگونه مالیات دولتی معاف بودند. نکته مهم و جالب توجه این فرمان این بود که آزادی استخراج معادن منحصرأً برای اتباع ایران در نظر گرفته شد؛ یعنی بیگانگان از این حق محروم بودند. ضمناً استخراج کننده به مدت پنج سال از پرداخت هرگونه مالیات، معاف بود (آدمیت، ۱۳۸۴: ۱۶۱). این امتیازات موجب تشویق امر سرمایه گذاری در معادن شد. برای نمونه در این دوره شخصی به نام میرزا آقاسی معدن مس و آهن قراچه داغ را راه اندازی کرد و در وهله اول هشت خروار مس خالص تولید کرد. آهن ماسوله گیلان نیز توسط استاد فتح اله به دست آمد. از معدن نانجی مازندران آهن استخراج گردید. ماده قطران که در توپخانه مصرف داشت و از قفقاز می آوردند در رحمت آباد گیلان ساخته شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۰۵۸/۲). امیرکبیر در راستای گسترش آموزش در زمینه معدن شناسی و انجام عملیات اکتشافات معدن توسط ایرانیان طی نامه‌ای در ۱۲ رمضان ۱۲۶۷ ه. ق به جان داوود خان در ارزنه الروم، خواستار استخدام استاد معدن شناسی به مدت پنجسال شد (نامه‌های امیر کبیر به جان داوود خان، ۱۳۷۱: ۲۳۰).

از سوی دیگر امیرکبیر درصدد تأسیس کارخانه‌های مختلف به منظور تولید نیازهای داخلی کشور بود؛ به همین جهت در نامه ای به جان داوود خان خواستار استخدام استاد ماهوت بافی از خارج کشور جهت ایجاد صنعت ماهوت بافی شد (نامه‌های امیرکبیر به جان داوود خان در باب استخدام استاد ماهوت بافی، ۱۲ رمضان ۱۲۶۷، ۱۳۷۱: ۲۴۸).

اعتمادالسلطنه در نوشته‌های خود به ایجاد کارخانه بلورسازی در قم و بافت شال‌های کرمانی در کرمان که قادر به رقابت با شال‌های کشمیری بود؛ اشاره کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۱۷۱۴/۳). وی در جای دیگر نیز به ایجاد کارخانه شکرسازی در این دوره اشاره می‌کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۱۱۳۲/۲). مستوفی نیز در کتاب خود به کارخانه شکرسازی مازندران اشاره کرده است (مستوفی، ۱: ۸۶/۱۳۷۶). همچنین کارخانه‌های چینی سازی نیز در این دوره ساخته شد (هدایت، ۱۳۸۰: ۴۶۶/۱۰) از جمله صنایعی که در زمان صدرات امیرکبیر به آن توجه خاصی شد صنعت ساخت تسلیحات نظامی بود. در روزنامه وقایع اتفاقیه به ایجاد جبه خانه و قورخانه در تبریز و اصفهان نیز دارالخلافه تهران اشاره شده است (روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره سی و دو، چهاردهم ذی القعدة الحرام سال ۱۲۶۷، ص ۳).



در زمان صدارت امیرکبیر در زمینه ایجاد صنایع فلزی نیز اقداماتی صورت گرفت؛ به طوری که در سال ۱۲۶۸ ق به دستور امیرکبیر در بلوک نانچ مازندران تصفیه آهن به بهترین نحو صورت گرفت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۰۵۸/۲). در مورد صنعت قندسازی نیز در دوره امیرکبیر سیاست‌هایی اتخاذ گردید. وی به تصفیه شکر مازندران که برای قندسازی مناسب بود، توجه زیادی داشت به طوری که شکرهای تصفیه شده مازندران با شکر هندوستان قابل رقابت بود (مستوفی، ۱۳۷۶: ۸۶/۱). در واقع هدف دولت از ایجاد دارالفنون ایجاد مرکزی برای پرورش افرادی برای خدمت به همین صنایع نوپا در ایران بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۰: ۱۱).

پافشاری و اصرار امیرکبیر در احداث صنایع داخلی و جلوگیری از استفاده از کالاهای خارجی با اعتراض سفرای خارجی مواجه شد. توجیه سفرای مزبور آن بود که طبق عهدنامه‌هایی که بین ایران و روسیه و برخی کشورهای دیگر منعقد شده بود؛ ایران حق جلوگیری از ورود و خرید کالاهای خارجی را نداشت (نامه‌های امیرکبیر، بخشی از نامه امیر با دالگورکی سفیر روسیه در ایران، ۱۳۷۱: ۲۴۹-۲۴۸). سفیران اروپایی به سعی می‌کردند که امیرکبیر را از سیاست اقتصادی که در پیش گرفته بود، برحذر دارند؛ وزیرمختار وقت انگلیس، کلنل جاستین شیل بارها به امیرکبیر متذکر گردید که به جای ایجاد کارخانه‌ها با هزینه و مخارج بالا، پارچه‌های اروپایی را با قیمت ارزان تر تهیه کند؛ اما در پاسخ، امیرکبیر خارج نشدن طلا و پول ایران را از کشور مهم‌ترین عامل ایجاد کارخانه‌ها دانست (آدمیت، ۱۳۸۴: ۱۸۵). اعتمادالسلطنه در خصوص روش امیرکبیر در برخورد با اعتراضات دولت‌های انگلیس و روسیه به سیاست‌های اقتصاد داخلی وی می‌نویسد:

«امیر نظام برحسب معاهده تجارتي که با دول بسته شده بود از آوردن اجناس آن‌ها به ایران منع نمی‌کرد؛ ولی به حرکات و عادات خود طوری مسلوک می‌داشت که جنس خارجه را مردود می‌ساخت و کسی خریدار نمی‌شد. غالباً البسه خود را به پارچه‌هایی قرار می‌داد که در ایران می‌بافتند. به این واسطه مردم به او تأسی و اقتدا کرده، سبک ایرانیت و رواج جنسیت خود را از دست نمی‌دادند. و ترقی ملک و ملت و پیشرفت اهل حرفت را به رنگ‌های زرد و سرخ خارجه که اعراض صرف است تبدیل نمی‌کردند. متاع مملکت خود را می‌خریدند که همیشه درم و دینارشان به دست خودشان دایر و سایر باشد و به خارجه نرود که خود بعد از چندی سرگردان و معطل باشند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۲۵).

امیرکبیر برای کاهش وابستگی به محصولات خارجی و بهبود وضعیت کشاورزی نیز اقداماتی انجام داد؛ کاشت نیشکر در خوزستان و مازندران از جمله این اقدامات به شمار می‌رود (مستوفی، ۱۳۷۶: ۱/۱۶۳). وی در خصوص



کشت نیشکر خطاب به والی خوزستان بر این مسأله تأکید می‌کند که نیشکر باید در مقدار فراوان و با مرغوبیت بالا جهت رفع مایحتاج کلّ ایالات فراهم شود (نامه‌های امیرکبیر، نامه امیرکبیر به خانلر میرزا والی خوزستان، ۱۳۹۰: ۱۴۴).

اعتمادالسلطنه در کتاب «مرآة البلدان» به این مطلب اشاره می‌کند که «در بلوک شوشتر موسوم به عقیلی» کشت نیشکر بسیار مرغوب وجود دارد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۱۸/۲). در جایی دیگر همین نویسنده به کاشت تریاک و تخم و نهال‌ها و قلمه سایر بلاد در تهران در دوره امیرکبیر اشاره می‌کند (همان: ۱۰۶۳). بررسی و مطالعه کتب اعتمادالسلطنه و دیگر نویسندگان این دوره زمانی نشان می‌دهد که در سال‌های حکومت امیرکبیر حتی برخی حکام ایالات و ولایات ایران نیز با تشویق صدراعظم به برخی اقدامات اقتصادی برای رشد کشاورزی همچون کاشت بذرهای جدید و نیز ساخت سد اقدام نمودند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲/۱۱۱۶، ۱۱۲۵، ۱۱۱۴، ۱۱۲۶).

دولت مرکزی در این دوره با مشاهده سود فراوان کاشت پنبه در امریکا و با برآورد احتمال کاشت و محصول دهی پنبه در گرمسیرات فارس و شوشتر و ارومیه به دلیل نزدیکی به دریا به کاشت پنبه در این مناطق پرداخت. همچنین برخی افراد نیز به جهت حمایت دولت مرکزی به طور مستقل به کاشت این محصول مبادرت کردند (وقایع اتفاقیه، شماره ۴۱، پنجشنبه ۱۹ محرم الحرام مطابق سال تنگوزئیل: ۱؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲/۱۰۷۳).

از جمله اقدامات دیگر امیرکبیر در جهت حمایت از کشاورزی، ایجاد سد در مناطق مختلف کشور بود؛ در ذیل به قسمتی از فرمان امیرکبیر در احداث بند شوشتر و هویزه اشاره می‌شود:

«مقرب الخاقانا، دوست مکرم مهربانا، برای تعمیر پل و بند شوشتر و قلعه سلاسل و بند حویزه شما خود پیش‌تر تفضیلی نوشته بودید. ولی از این که تعمیر آن خرابی‌ها لزومی دارد و اگر نشود ضرر کلی دارد لهذا آن عالی‌جاه مأذون و مرخص است که تا معادل ده هزار تومان از مالیات ولایات ابواب جمعی خود به صوابدید و استحضار مقرب الخاقان مشیرالدوله صرف تعمیر آن خرابی‌ها نماید. اما چنانچه خرجی که به کار آید و بی مصرف و بی‌جا نباشد و در این عمل باید کمال دقت و اهتمام را نماید که برای بعد بنای آن‌ها چنان مستحکم باشد که در وقت طغیان آب و انهدار سیل، رخنه در آن‌ها به هم نرسد و منهدم نگردد» (نامه‌های امیرکبیر، ۱۳۹۰، نامه امیرکبیر به سهام الدوله: ۱۱۹). اعتمادالسلطنه به اتمام بنای این سد در خوزستان در دوره امیرکبیر اشاره می‌کند (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۷/۱۰۶۵: ۲). در جایی دیگر اعتمادالسلطنه به «بستن بندی در گرگان» نیز اشاره می‌کند (همان: ۱۰۶۲).



امیرکبیر در راستای افزایش تجارت در راه‌های تجاری و کاروان‌سراها امنیت را برقرار کرد و دزدی از کاروان‌های تجاری از ترس مجازات امیرکبیر بسیار کاهش یافت (مستوفی، ۱: ۷۲/۱۳۷۶). رابرت گرانت واتسن (Robert Grant Watson) در خصوص افزایش تجارت در این دوره نوشت:

«تجارت بین شهرهای عمده و ایالات ایران و همچنین میان ایرانیان و همسایگان آن‌ها روسیه، ترکیه، عربستان، هندوستان، افغانستان و نواحی ازبک و ترکمن با اطمینان خاطر تحت حمایت دولتی جریان داشت و امیر اهالی تهران به خصوص طبقه بازرگان را با ایجاد راسته‌های بازار که زیباتر از هر بازار مشابهی در ایران بود قرین امتنان داشت» (گرانت واتسن، ۱۳۵۴: ۳۶۶).

امیرکبیر برای ایجاد نظارت و تمرکز بر تجارت داخلی در پایتخت به ایجاد تیمچه و بازاری را گذاشت که اولی سرای اتابکیه و دومی بازار امیر نام‌گرفتند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۱۷۱۳/۳). بنای این بازارها در رمضان ۱۲۶۶ هـ. ق تمام شد. سرای امیر در دو طبقه ساخته شد و دارای ۳۳۶ حجره بود. این مرکز تجاری در ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ هـ. ق افتتاح شد. ریاست این تأسیسات را آقامهدی ملک‌التجار به عهده داشت (شهیدی، ۱۳۸۳: ۱۲۹). این بازار را زیباترین بازار تجاری در داخل کشور می‌دانستند (واتسن، ۱۳۵۴: ۳۶۶). در روزنامه وقایع اتفاقیه در خصوص ایجاد سرای تجارتی چنین آمده است:

«جناب اتابک اعظم امیرکبیر دارالخلافه طهران یک ماه از عید نوروز است که گذشته از خود بنای کاروانسرای بازاری گذاشتند که کاروانسرای آن موسوم به سرای اتابکی و مشتمل است بر سیصد و سی و شش حجره تحتانی و فوقانی که از سه راسته بازار که دکاکین متعدد و بسیار دارند که به کاروانسرای مزبور راه است به بازارها. در ماه مبارک رمضان تمام شده و به قسمی این کاروانسرا ساخته شده است که تجار در گرفتن حجرات آن با هم مناظره و حرف دارند» (روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره چهارم، ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ هـ. ق: ۲).

وی در راستای افزایش بهره‌وری ایرانیان از تجارت، بر مسأله نظارت بر تجارت شهروندان ایرانی در کشورهای هم‌جوار نیز تأکید داشت. نامه امیرکبیر به میرزا حسین کارپرداز ایران در ارزنه الروم گویای این واقعیت است. در این نامه امیر در خصوص دادن تذکره به تجار تأکید می‌کند که صرفاً این تذکره به تجار امین و قابل داده شود تا اعتبار تاجر ایرانی حفظ شود (نامه‌ها و اسناد امیرکبیر، ۱۳۹۰: ۲۴۱).

وی در نامه‌ای دیگر تأکید می‌کند که در باب امور تجار ایرانی که در تقلیس و مسکو مشغول امر تجارت هستند؛ تمامی امور آن‌ها باید به واسطه سعی و اهتمام کارپردازی منظم باشد. به همگی آن‌ها اطلاع داده شود که



کارپردازی اعمال آن‌ها را زیر نظر دارد. همچنین کارپردازی وظیفه دارد که بر اخذ تنها صدی پنج در گمرک از تجار ایرانی نظارت کند (نامه‌های امیرکبیر، ۱۳۹۰، نامه به امیرکبیر یا احمدخان: ۱۳۹۰: ۱۱۸). در همین خصوص در نامه ای دیگر که به محمدخان مصلحت گذار اسلامبول می‌نویسد به سوء سلوک وکیل امور تجارت ایران در شام اعتراض می‌کند و خواستار عزل وی و تعیین شخص شایسته‌ای در این منصب برای حمایت از تجار ایرانی می‌شود (همان). روزنامه وقایع اتفاقیه در گزارشی درخصوص تجارت ایران و عثمانی در این دوره به گسترش نفوذ تجار ایرانی در عثمانی و سود فراوان حاصله اشاره می‌کند (روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۳۰، پنجشنبه سلخ شهر شوال المکرم مطابق سال تنگوزئیل ۱۲۶۷: ۳).

امیرکبیر در راه شرکت دادن ایرانیان در بازار و اقتصاد جهانی به قدری کوشا بود که در سال ۱۲۶۷ ق با همت وی ایران در «نمونه خانه امتعه» عمومی لندن شرکت کرد. امیرکبیر در خصوص شرکت ایران در این نمایشگاه در نامه ای به شیل نوشت: «با تاجر گفته شد؛ قرار دادند که از حالا الی شش ماه را در اسلامبول حاضر و موجود نمایند و آنچه اخراجات راه می‌شود اولیای دولت از عهده بر می‌آیند» (نامه امیرکبیر به شیل به نقل از فریدون آدمیت، ۱۳۸۴: ۴۱۲).

امیرکبیر در راستای گسترش تجارت و تسهیل ارتباطات در نقاط مختلف کشور به فکر ایجاد راه آهن نیز افتاد؛ در واقع اندیشه ایجاد راه آهن در ایران برای نخستین بار در این دوره مطرح شد. در روزنامه وقایع اتفاقیه به عنوان روزنامه رسمی کشور بارها به اهمیت بهبود وضعیت راه‌ها و تأثیر آن در بهبود کشاورزی و تجارت اشاره شده است؛ برای نمونه در شماره ۳۰ این روزنامه در خصوص زراعت کاران بروجرد به این نکته اشاره می‌شود که زراعت کاران در آنجا علی‌رغم محصول فراوان ضرر می‌کنند؛ چرا که اکثر محصول در آن جا به عنوان مالیات به صورت جنسی گرفته می‌شود و نیز جنس کمتر فروخته می‌شود؛ و فور محصول و ارزانی آن که «به قیمت هم آن هم نمی‌رسد و ضرر می‌دهد»؛ نویسنده روزنامه دلیل مشکل مزبور را «خرابی راه‌ها». عنوان کرده و خواستار ایجاد راه‌های جدید می‌شود که بتوان به وسیله آن محصول کشاورزی را به سایر شهرها انتقال داد (روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۳۰، پنجشنبه سلخ شوال المکرم تنگوزئیل ۱۲۶۷: ۲).

در این روزنامه همچنین بارها به فواید ساختن راه آهن در کشورهای مختلف اشاره می‌شود؛ برای نمونه در شماره ۱۷ روزنامه وقایع اتفاقیه به زمینه سازی ایجاد راه آهن در هند اشاره می‌شود. در شماره ۱۶ این روزنامه نیز به ساخت راه آهن فرانسه از محل سرمایه گذاری تجار انگلیسی اشاره می‌شود و همچنین ذکر می‌شود که رییس جمهور



فرانسه؛ شخصاً ضامن پرداخت سود تجار سرمایه گذار در راه آهن از طریق درآمد راه آهن فرانسه شده است (روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۱۶، جمعه ۲۱ شهر رجب المرجب سال تنگوزئیل: ۴: ۱۲۶۷). در شماره‌های ۱۴ و ۳۰ این روزنامه در مورد ایجاد راه آهن و فواید آن مطالبی ذکر می‌گردد؛ همچنین در یکی از شماره‌های این روزنامه به فواید ساخت راه آهن در امریکا اشاره می‌شود (همان).

در دوره صدارت امیرکبیر طرح راه آهنی که توسط رابرت استفن سون (Robert Stephenson) ارائه شده بود و قرار بود. طرح مزبور از وین آغاز شده و بعد از عبور از بغداد و خلیج فارس و نیز مناطق جنوب ایران (خوزستان، فارس، کرمان و بلوچستان) به سند متصل شود؛ مورد توجه دولتمردان آن زمان ایران قرار گرفت. اما طرح راه آهن مزبور صورت عملی نیافت و با مخالفت سر جاستین شیل که از سوی دولت بریتانیا مأمور بررسی طرح مزبور از جهات فنی و سیاسی و اقتصادی بود، مواجه شد. شیل در خصوص آن در گزارشی به لندن نوشت که هیچ تناسب و تعادلی میان نفعی که از گذر راه آهن از ایران عاید این کشور خواهد شد و فایده ای که برای انگلستان خواهد داشت؛ وجود ندارد. همچنین با ذکر این موضوع که ایجاد راه آهن موجب رشد اقتصادی، اجتماعی ایران خواهد شد؛ دولتمردان انگلیسی را از انجام این طرح بازداشت (آدمیت، ۱۸: ۴: ۱۳۸۴).

نتیجه گیری

اساس اندیشه امیرکبیر در اقتصاد کشور حمایت از اقتصاد داخلی بود. وی با توجه به ضعف اقتصادی کشور درصدد توانمند کردن اقتصاد داخلی برآمد و در این راه از تمام توانمندی‌های موجود در کشور همچون کشاورزی، معادن و ایجاد کارخانه بهره جست. امیرکبیر در این راستا از توانمندی مردمی نیز سود جست. این دوره شاهد نوآوری‌ها و اقدامات اقتصادی فراوان از سوی مردم و حکام است که در کتب مختلف این دوره از آن یاد شده است. امیر کبیر در راستای تقویت اقتصاد داخلی در کشور به ایجاد صنایع مختلف به منظور تأمین نیازهای داخلی کشور اقدام کرد. به نظر وی بهره گیری از تولیدات داخلی موجب جلوگیری از خروج طلا از کشور و قوی شدن پشتوانه مالی کشور می‌شد. کشور در دوره سه ساله صدارت عظمای امیرکبیر، کشور به پیشرفت‌هایی در زمینه اقتصادی رسید. در زمینه صنعتی وی تعدادی کارخانه‌های کوچک صنعتی ایجاد کرد. همچنین با ایجاد مدرسه دارالفنون و مجمع الصنایع به پرورش صنعتگران در داخل کشور پرداخت. در این دوره وی با جلوگیری از ورود امتعه خارجی به حمایت از صنایع داخلی و بومی پرداخت. در زمینه توسعه کشاورزی نیز به فرمان امیرکبیر چندین سد بر روی رودخانه‌ها ساخته شد و کشت برخی محصولات جدید متداول شد. امیرکبیر در زمینه پیشرفت تجارت به حمایت



از بازرگانان ایرانی داخل و خارج کشور پرداخت. در زمینه استخراج معادن نیز به تشویق سرمایه گزاران ایرانی پرداخته و به آنان معافیت‌های مالیاتی اعطاء شد.

منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۸۴). امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی.
- آدمیت، فریدون (۲۵۳۶). اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- اسناد و نامه‌های امیرکبیر (۱۳۹۰). سید علی آل داوود، تهران: نشر تاریخ ایران.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۷). صدرالتواریخ، تصحیح محمد مشیری تهران: انتشارات روزبهان.
- _____ (۱۳۸۰). الماثر و الاثار، تهران: انتشارات اساطیر.
- _____ (۱۳۶۷). همراه البلدان، ۴ مجلد در ۳ جلد، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۶۵). تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران: انتشارات ایران.
- افشار، ایرج (۱۳۸۳). «از مجمع الصنایع تا صنایع مستظرفه»، نشریه نقد و بررسی کتاب فرزاد، بخش اول، ش ۷، صص ۳۱-۲۵.
- افشار، میرزا مصطفی (۱۳۴۹). سفرنامه خسرو میرزا (به پطرزبورغ و تاریخ زندگی عباس میرزا نایب السلطنه) به کوشش محمد گلبن، تهران: کتابخانه مستوفی.
- افشارآرا، محمدرضا (۱۳۸۰). خراسان و حکمرانان، مشهد: انتشارات محقق.
- رینگر، مونیکا (۱۳۸۱). گفتمان اصلاح فرهنگی در دوره قاجار، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران، ققنوس.
- زرگری نژاد، غلامحسین (زمستان ۱۳۸۶). «عباس میرزا نخستین معمار «بنای نظام جدید» در ایران معاصر»، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۸۴، صص ۷۹-۱۱۱.
- سیسموندی، سیسمون (۱۳۸۶). اکونومی پلتیک (آداب مملکتداری)، ترجمه رضا ریشار و محمد حسن خان شیرازی، به کوشش و با مقدمه ناصر پاکدامن، تهران: نشر نی.
- شهیدی، حسین (۱۳۸۳). سرگذشت تهران، تهران: نشر مانا.

- قزوینی، محمد شفیع (۱۳۷۰). رساله قانون قزوینی انتقاد اوضاع اجتماعی ایران دوره ناصری به همراه رساله پیشنهادی برای اصلاح امور مملکتی، به کوشش ایرج افشار، تهران: طلایه.
- قدیری اصل، باقر (۱۳۷۰). سیر اندیشه اقتصادی از افلاطون تا کینز، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کریم زاده تبریزی (۱۳۷۶). احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، تهران: مستوفی.
- گران و اتسن، رابرت (۱۳۵۴). تاریخ قاجار، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: سیمرغ.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۶). شرح زندگانی من (تاریخ اداری اجتماعی ایران در دوره قاجاریه)، تهران: زوار، چ ۲.
- مفتون دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳). مآثر سلطانی، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری نژاد، تهران: روزنامه ایران.
- ناطق، هما (۱۳۶۸). ایران در راهیابی فرهنگی ۱۸۴۸-۱۸۳۴، تهران: خاوران.
- نفیسی، سعید (۱۳۰۹). «جلب مهاجران اروپائی در ۱۲۴۲»، مجله مشرق، سال اول، ش ۱، صص ۶۴-۵۷.
- نامه‌های امیر کبیر به انضمام رساله نوادر الامیر (۱۳۷۱). تصحیح و تدوین: سید علی آل داوود، تهران: نشر تاریخ ایران.
- هدایت، رضا قلی خان (۱۳۸۰). روضه الصفای ناصری، تصحیح جمشید کیانفر، تهران: انتشارات اساطیر.
- یکتایی، مجید (۱۳۴۰). تاریخ دارایی ایران، تهران: کتابفروشی دهخدا.

روزنامه‌ها

- روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره دوم، ۱۱ ربیع الثانی ۱۲۶۷.
- _____، نمره سوم، ۱۹ ربیع الثانی ۱۲۶۷.
- _____، نمره چهارم، ۲۶ ربیع الثانی ۱۲۶۷ هـ.ق.
- _____، نمره ۱۶، جمعه ۲۱ شهر رجب المرجب سال تنگوزئیل: ۱۲۶۷.
- _____، نمره ۲۸، پنجشنبه ۱۶ شوال المکرم مطابق سال تنگوزئیل سال ۱۲۶۷.
- _____، نمره ۳۰، پنجشنبه سلخ شهر شوال المکرم مطابق سال تنگوزئیل ۱۲۶۷.
- _____، نمره ۴۱، پنجشنبه ۱۹ محرم الحرام مطابق سال تنگوزئیل.
- _____، نمره ۱۱۱، پنجشنبه ششم ماه جمادی الثانی اواخر سال سیپچاق ئیل ۱۲۶۹.

